متن کامل صحبت تلفونی تره کی با کاسگین ۱۱ ماه بعد از کودتای ۷ ثور

۲۷ اپریل۲۰۱۵

هفت ثور۱۳۵۷ (۲۸ اپریل ۱۹۷۸) روز سیاه فراموش ناشدنی در تاریخ معاصرکشور وروز بر افروخته شدن آتش خانمانسوزیست که طی سه ونیم دهۀ اخیر، آلام بی پایانی را برای مردم رنجدیدۀ افغانستان به بار آورد. فاجعۀ شش جدی، سانحۀ هشت ثور، وحشت طالبانی ومافیا سالاری ۱۴ سال اخیر، همه وهمه را میتوان پیامدهای شوم کودتای ننگین هفت ثورنامید. حزب کودتاچی "دموکراتیک خلق افغانستان" با کودتای نظامی هفت ثورثبات سیاسی را که ملت بعد از تحمل چند دهه اختناق وخونریزی بدست آورده بود، بخاطر جاه طلبی ومزدورمنشی ، در پیش پای اتحاد شوروی قربان نمود. این آغاز فاجعۀ بزرگی بود که مردم ما آنرا باقیام خودجوش خود پاسخ گفتند. اینقیام ها با سرکوب خونین توسط حکومت حزب دموکراتیک خلق روبرو گردید ولی این سرکوبها بخشهای بیشتر مردم را علیه حکام خونریز بسیج میکرد. حاکمیت کودتایی که از نداشتن پشتوانۀ توده ای رنج میبرد، فکر میکرد با توزیع خشونتباروعجولانۀ زمین برای دهاقین ایکه از لحاظ فکری آمادۀ گرفتن زمین نبودند، برای خود پشتوانۀ مردمی خلق میکند، درحالیکه همین اقدام هم بعلل زیاد بی موقع بود وبه فاصلۀ بزرگی که بین مردم ودولت وجود داشت، افزود. جمهوری کودتایی "دموکراتیک خلق" ۱۱ ماه بعد از کسب خونین قدرت، در محاصرۀ قیامهای خودجوش مردم، قرار گرفته و آهسته، آهسته بخصوص در جریان قیام بزرگ هرات (مارچ ۱۹۷۹)، وقیام پلان شدۀ نظامیان جلال آباد (۳۱ مارچ ۱۹۷۹) موجودیت خود را در معرض خطر جدی میدید. در همچو لحظات رهبران حزب ودولت طرح جدیدی را به روسها پیشکش کردند. نورمحمد تره کی رییس حزب ودولت وقت در جریان یک صحبت تلفونی خواستار آن شد که روسها بر علاوۀ اسلحه ومهمات، پرسونل نظامی خویش را هم برای دفاع از حاکمیت حزب" دموکراتیک خلق" به افغانستان بفرستند. متن این صحبت تلفونی را جنرال بوریس گروموف در آغاز کتاب (ارتش سرخ در افغانستان) از اسناد سری بخش خاص دولت شوروی وقت، در صفحات کتاب خویش اقتباس نموده است. در صفحۀ ۱۷ الی ۲۴ ترجمۀ این کتاب (توسط عزیزآریانفر) متن کامل این صحبت تلفونی را چنین میخوانیم :

((خیلی سری، بخش خاص
گفتگوی تلفونی بکمک مترجم

کاسیگین: به رفیق تره کی بگو یید که من میخواهم ازسوی رفیق برژنف واعضای دفتر سیاسی به وی درودهای فراوان بفرستم.
تره کی: بسیار سپاسگزارم.
کاسیگین: سلامت باشید رفیق تره کی. بسیار مانده نباشید.
تره کی: نه من خسته نمیشوم. امروز جلسۀ شورای انقلابی بود.
کاسیگین: بسیار خوبست. خیلی شادمانم . رفیق تره کی ممکنست اوضاع افغانستان را شرح دهید؟
تره کی: اوضاع خوب نیست. روبه خرابی دارد. طی یک ونیم ماه گذشته از سوی ایران نردیک به دوهزار نفر نظامی با لباس غیرنظامی به افغانستان اعزام شده اند. حالا تمام فرقۀ ۱۷ پیاده برعلاوۀ واحد های توپخانه ودافع هوا که بالای طیارات ما فیر میکنند، در دست آنان است. در شهر جنگ در جریان است .
کاسیگین: تعداد افراد فرقه چند است؟
تره کی: نزدیک به ۵۰۰۰ نفر. کلیه مهمات وانبارها در دست آنان است.
کاسیگین: آنجا برای شما چند نفر مانده است؟
تره کی: ۵۰۰ نفر. آنها تحت رهبری قوماندان فرقه در میدان هوایی شهر مستقر اند. برای تقویت آنان، ما با طیارات از کابل گروه عملیاتی پیاده نموده ایم. این گروه از صبح امروز در آنجا قرار دارد.
کاسیگین: در میان کارگران، شهرنشینان وکارمندان، آیا کسانی هستند که از شما پشتیبانی کنند؟
تره کی: پشتیبانی فعال از سوی مردم شهر دیده نمیشود. مردم کاملاً زیر تاثیر شعارهای شعیان مانند: (سخنان بیخدایان را باور نکنید وبسوی ما بیایید) قرارگرفته اند. تبلیغات بر این پایه مبتنی است.

کاسیگین: نفوس هرات چند است؟
تره کی: حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر. مردم با در نظرداشت تحول اوضاع حرکت میکنند. هرجا که آنانرا بکشانند، به همانجا میروند. حالا آنها از جانب مقابل پشتیبانی میکنند.
کاسیگین: کارگران آنجا زیادند؟
تره کی: بسیار کم. رویهمرفته ۱ الی ۲ هزارنفر.
کاسیگین: شما دورنمای اوضاع هرات را چگونه میبینید؟
تره کی: ما معتقد هستیم که مخالفان واحد های تازه را تشکیل داده به پیشروی ادامه خواهند داد .
کاسیگین: شما نیرونداریدکه آنها را شکست بدهید؟
تره کی: کاش می داشتیم.
کاسیگین: شما در رابطه به این مسئله چه پیشنهادهایی دارید؟
تره کی: ما خواهش میکنیم که شما به ما کمکهای عملی، انسانی وتسلیحاتی کنید.
کاسیگین: این مسئله خیلی دشوار است.
تره کی: در غیر این صورت شورشیان بسوی قندهار حرکت کرده وپس از آن بسوی کابل خواهند آمد. افغانهای که به پاکستان گریخته اند، هم خواهند آمد. ایران وپاکستان روی یک برنامه بر ضد ما عمل میکنند وبه همین خاطر اگر شما حالا به هرات یک ضربهٔ کاری وارد بیاورید، ممکنست انقلاب را نجات بدهیم.
کاسیگین: جهانیان همه ازین کار آگاه خواهندشد. شورشیان دستگاه های مخابره دارند، آنها فوراً اطلاع خواهند داد .
تره کی: تمنا میکنم. کمک کنید.
کاسیگین: ما باید در بارهٔ این مسئله مشورت کنیم .
تره کی: تا شما مشورت کنید، هرات سقوط خواهد کرد. و آنگاه دردسرهای بزرگتری هم برای اتحاد شوروی وهم برای افغانستان به بار خواهد آمد .
کاسیگین: حالا ممکنست شما بگوئید که چه پیشگویی هایی درباره پاکستان وبعدهم جداگانه برای ایران دارید؟ شما با نیرو های مترقی وپیشاهنگ ایران رابطه ندارید؟ شما نمیتوانید به آنان بگوئید که حالا مهمترین دشمن شما ایالات متحده است. ایرانیان خیلی از امریکا خشمگینند. در بعد تبلیغاتی ممکنست این عامل را بکار گرفت .
تره کی: ما امروز اعلامیه ای بر ضد دولت ایران از طریق رادیو پخش کردیم وخاطر نشان کردیم که ایران در امور داخلی افغانستان در هرات مداخله میکند.
کاسیگین: شما لازم نمی بینید که اعلامیه ای هم برعلیه پاکستان پخش کنید؟
تره کی: فردا یا پس فردا اعلامیهٔ مشابه ای هم برضد پاکستان پخش خواهیم کرد .
کاسیگین: شما به ارتش خود امیدوار هستید؟ درجهٔ وفاداری آن در کدام سطح است؟ شما نمیتوانید نیروهای نظامی را گرد بیاورید که به هرات یورش ببرند؟
تره کی: ما فکر میکنیم که ارتش مطمئن است. اما نمیتوانیم نیروها را از شهرهای دیگربسوی هرات سوق بدهیم، زیرا این کار موقعیت ما را در آن شهرها لرزان خواهد کرد.
کاسیگین: هرگاه ما به شما سریعاً تعداد بیشترطیارات وجنگ افزار بفرستیم، شما نمتوانید، واحد های تازه ای را آرایش بدهید؟
تره کی: این کار زمان زیادی را در برمیگیرد، اما هرات از دست میرود.
کاسیگین: شما فکر میکنید که در صورت سقوط هرات، پاکستان دست به اعمال مشابهی از مرزهای خود خواهد زد؟
تره کی: احتمال اینکار بسیار است. روحیهٔ پاکستانی ها، پس از آین تقویت خواهدشد. امریکائیها به آنان کمکهای لازم را خواهند کرد. پس از سقوط هرات، پاکستانیها هم سربازان خود را با لباس غیر نظامی خواهند فرستاد تا شهرها را بگیرند وایرانیان به مداخلات فعالتری دست خواهند زد. پیروزی در هرات کلید حل بقیه مسایل افغانستان است .
کاسیگین: شما چه عملکردها واعلامیه هایی را از ما توقع دارید؟ دیدگاه های شما دربارهٔ این مسئله در عرصهٔ تبلیغات چگونه است؟
تره کی: باید کمکهای تبلیغاتی وعملی را باهم توأم ساخت. من پیشنهاد میکنم تا شما بزودی به تانکها وهواپیماهای خود علایم افغانی بزنید. هیچ کسی چیزی نخواهد دانست. نیروها را باید از جانب تورغندی وکابل به هرات سوق داد .
کاسیگین: تا کابل باید راه پیمود.
تره کی: تورغندی به هرات خیلی نزدیک است. اما میتوانید سربازان را با هوا پیما به کابل بفرستید و آنها از کابل به هرات فرستاده شوند، به عقیدهٔ ما هیچ کسی نخواهد دانست. همه فکر خواهند کرد که آنها سربازان دولتی افغانی اند.
کاسیگین: نمیخواهم شما را متأثر بسازم، اما اینکار پنهان نخواهد ماند. پس از ۲ ساعت همهٔ جهان آز آن آگاه خواهد شد. همه فریاد خواهند زد که تهاجم شوروی به افغانستان آغازگردیده است. رفیق تره کی، بگوئید، هرگاه ما با طیاره اسلحه شامل زره پوش به کابل بفرستیم، آیا شما تانکیست خواهید یافت یا نه؟
تره کی: به تعداد خیلی کم.
کاسیگین: چند نفر؟

تره کی: دقیق نمیتوانم بگویم .
کاسیگین: هرگاه ما با طیا رات برای شما سریعاً زرهپوش، آوان مهمات لازمی بفرستیم، شما متخصصانی که بتوانند این سلاحها را استعمال کنند، پیدا خواهید توانست؟
تره کی: من به این سوال نمیتوانم پاسخ دهم. تنها مشاورین شوروی میتوانند پاسخ دهند .
کاسیگین: یعنی میتوان چنین دانست که افغانستان کادرهای مجرب نظامی یا ندارد یا بسیارکم دارد. اما در اتحاد شوروی صدها افسر افغانی دوره های آمادگی را گذرانده اند. این همه افسرکجایند؟
تره کی: بیشتر شان مسلمانان ارتجاعی اند، به آنها نمیتوانیم تکیه کنیم ، به آنها اعتماد نداریم.
کاسیگین: نفوس کابل حالا چند نفر است؟
تره کی: نزدیک به یک میلیون نفر.
کاسیگین: هرگاه برای شما سریعاً با هوا پیما اسلحه بفرستیم، شما نمیتوانید پنجاه هزار سرباز دیگر گرد بیاورید؟ چند نفر را میتوانید جمع کنید؟
تره کی: ما میتوانیم تعدادی را جمع کنیم. در قدم اول از میان جوانان، ولی برای آنکه آنانرا آموزش بدهیم، زمان زیادی لازمست .
کاسیگین: شما نمیتوانید محصلین را جمع کنید؟
تره کی: ما میتوانیم در بارهٔ محصلین ومتعلمین صنوف ۱۱ و۱۲ مکاتب صحبت کنیم .
کاسیگین: از طبقهٔ کارگر نمیتوانید جمع کنید؟
تره کی: طبقهٔ کارگر در افغانستان بسیار کوچک است.
کاسیگین: دهقانان فقیرچه؟
تره کی: ما میتوانیم برمتعلمین، محصلین وتعداد کمی هم کارگران حساب کنیم. ولی آموزش آنان داستان درازی دارد. اما هرگاه لازم باشد، ما به هر اقدامی دست خواهیم زد .
کاسیگین: ما تصمیم گرفته ایم به گونهٔ رایگان، عاجل به شما جنگ افزار بفرستیم وهوا پیما ها وهلیکوپتر های شما را بازسازی کنیم. همچنان تصمیم گرفته شده است که به شما صد هزار تُن گندم تحویل داده شود وبهای گازصادراتی شما را از ۲۱ دالردر برابر هر هزار متر مکعب به ۳۷ دالربالا ببریم .
تره کی: خیلی خوب، اما بیائید در بارهٔ هرات صحبت کنیم .
کاسیگین: بیائید، شما نمیتوانید حالا چند لشکر از میان پیشگامانی که شما میتوانید به آنها اعتماد کنید، نه تنها در کابل، بلکه در دیگر جا ها هم، تشکیل دهید. اسلحهٔ لازم را ما به شما میدهیم.
تره کی: ما کادر های افسری نداریم. پاکستان هم افرادوافسران خود را به لباس افغانی می فرستد. چرا اتحاد شوروی نمیتواند ازبیکها وترکمنها را به لباس غیر نظامی بفرستد. هیچکس آنها را نخواهد شناخت.
کاسیگین: شما دیگر چه میتوانید در بارهٔ هرات بگویید؟
تره کی: ما میخواهیم شما تاجیکها، ازبکها و ترکمنها را برای راندن تانکها نزد ما بفرستید، زیرا کلیهٔ این اقوام در افغانستان شناخته شده هستند. اگر جامهٔ افغانی بپوشند نشانه های افغانی به آنان زده شود، هیچ کسی نخواهد دانست. به نظرما این کار بسیار آسان است. نظر به تجربهٔ پاکستان دیده میشود که این کار بسیار آسان است.
کاسیگین: البته شما مسئله را دست کم میگیرید. این مسئله بسیار پیچیدهٔ سیاسی وبین المللی است. ما بار دیگر راجع به آن مشورت میکنیم وبه شما پاسخ میدهیم. من فکر میکنم که بر شما لازم خواهد بود که واحد های تازه تشکیل بدهید، زیرا تنها به نیروی اشخاصی که از بیرون می آیند، نمیتوان تکیه زد. شما با توجه به تجربهٔ انقلاب ایران می بینید که چگونه توده ها توانستند امریکایی ها وآنانی را که میکوشیدند خود را نگهبانان ایران بنمایند، از آنجا بیرون بیاندازند. بهر حال با شما چنین قرار میگذاریم: مشورت میکنیم وبه شما پاسخ میدهیم. وشما در کشور خود با نظامیان تان ومشاوران ما مشورت کنید. در افغانستان نیروهایی هستند که شما را با به مخاطره انداختن زندگی خود، حمایت کنند وبه خاطر شما مبارزه کنند. این نیروها را باید همین حالا مسلح ساخت.
تره کی: زره پوشها را با هوا پیما بفرستید .
کاسیگین: شما برای راندن این ماشینها پرسونل دارید؟
تره کی: برای ۳۰ الی ۳۵ عراده راننده داریم .
کاسیگین: آنها افراد مطمدنی هستند؟ همراه با ماشینها به سوی مخالفان نخواهند رفت؟ رانندگان ما که زبان شما را نمیدانند .
تره کی: شما ماشینها را با رانندگانی که زبان ، میدانند بفرستید. تاجیکها وازبیکها همزبان ما هستند.
کاسیگین: من چنین پاسخی را از شما انتظار داشتم. ما رفقای شما هستیم ومبارزهٔ مشترکی را به پیش میبریم. از اینرو نباید از همدیگر دور شویم. ما به شما بازهم تلفون خواهیم زد ودیدگاه های خود را به شما خواهیم گفت .
تره کی: درودها وآرزوهای نیک ما را به رفیق بریژنف واعضای دفتر سیاسی برسانید .
کاسیگین: متشکرم. به تمامی رفقایتان درود برسانید. برای شما قاطعیت در حل مسایل، اعتماد به نفس وبهروزی آرزو میکنیم. به امید دیدار))

تبصره:
متن صحبت فوق ثبت شده در آرشیف اسناد خاص ومحرم اتحاد شوروی را که جنرال بوریس گروموف آخرین افسر سپاه رزمی اتحاد شوروی در افغانستان در صفحات فوق الذکر کتاب خود نشرنموده، سند انکار ناپذیرنکات ذیل است:
اول: حزب "دموکراتیک خلق"، برخلاف آنچه خلقی ها وپرچمیها ادعا میکنند، فاقد هرگونه پشتوانه در میان کارگران و دهقانان فقیربود. حزب مذکور در اردو نیزدر اقلیت بود واز اکثریت هراس داشت. تره کی درین صحبت ادعا کرد که صرف بالای محصلین و متعلمین وبخش کوچک از (قشرکوچک) کارگران حساب کرده میتواند. حتی همین ادعایش هم دروغین است. دولت خلقی صرف از پشتیبانی محصلین ومتعلمین وکارگران حزبی برخوردار بود. بعد ازپخش هر شبنامه، صدها محصل ومتعلم بحیث مظنونین این عمل روانهٔ زندان میشدند وسایر محصلین ازنا پدید شدهمصنفانشان رنج میبردند وازدیکتاتوری حزب "دموکراتیک خلق" بشدت نفرت داشتند. اما بزور به مارشهای دولتی سوق میشدند.
دوم: اعتماد به نفس این حزب ودولت تحت رهبری اش را قیامهای مردمی طی کمتر از یکسال چنان ضعیف ساخته بود که خود را در معرض سقوط قریب الوقوع میدیدند. فریبکارانه این قیامها را مداخلات ایران وپاکستان نامیده وبه قبلهٔ آمال خویش، یعنی مسکو مراجعه نموده خواستار تجاوز نظامی روسها به اشکال آشکاروپنهان به افغانستان میشدند. اینکه ببرک کارمل با تضرع قوای روس را به افغانستان فراخواند، برهمگان روشن است. اما تضرع های نورمحمد تره کی (تمنا میکنم کمک کنید- رجوع شود به متن صحبت) نیز با مدارک انکار نا پذیربطور چون این صحبت تلفونی وصحبت حضوری که دو روز بعد از آن در مسکو بین تره کی و کاسیگین صورت گرفت، ثابت است. واضحست که تره کی بدون رضایت امین به چنین درخواستی نمیتوانست بپردازد. براساس مندرجات همان کتاب، کمیته مرکزی ح.ک. اتحاد شوروی تا ۱۷ مارچ (نخستین روزهای قیام هرات)متمایل به اعزام عسکر خود به افغانستان بود ولی با سرکوب بیرحمانهٔ نظامیان پشتیبان قیام هرات توسط قوای اعزامی از قندهار که با بیرق سبزداخل هرات شدند وبمباران طیارات روسی آمده از فرازتورغندی ، اوضاع تغییر کرد وکمیته مرکزی بتاریخ ۱۸ مارچ فیصله نمود که منهای سربازان، هر نوع کمک دیگر به افغانستان صورت بگیرد. آنگاه تره کی به مسکو آورده شد واین موضعگیری بتاریخ ۱۹ مارچ به وی حضوری ابلاغ گردید .
سوم: دولت کودتائی که در قوای امنیتی آن ۵۵۰ مشاور ومتخصص دظامی روسی وجود داشت (ص ۱۴ همان کتاب)، واین به اصطلاح مشاوران درعمل همه کارهٔ ارگانهای امنیتی بودند (صرف مشاورین شوروی میتوانند پاسخ بدهند- رجوع شود به متن بالا) با اوج گرفتن قیام مردم، بصورت روز افزون در گودال وابستگی همه جانبه به شوروی غرق میگردید. حفیظ الله امین با اعتماد عمیقی که به روسها داشت، فکر میکرد روسها بلاخره حاضر به ارسال قوای نظامی شده اند و طیارات ترانسپورتی قوای کمکی به ویرا دردسمبر ۱۹۷۹ در کابل وقندوز پیاده میکنند. غافل از آنکه زمان استعمال خودش به پایان رسیده بود، وروسها در مرحلهٔ تکاملی مداخلات خویش او را ازمیان برداشته، کارمل وجناح پرچم را بخدمت میگیرند.
چهارم: کودتاگران که علیه مردم خود میجنگیدند، بلاخره پای روسها را به افغانستان کشانند تا "انقلاب" خود را (برگشت ناپذیر) بسازند. این عمل افغانستان را به گره گاه جنگ سرد مبدل نمود. کشورهای رقیب شوروی کوشیدند جنگ خودجوش مردم را تحت رهبری نیروهای خود فروش ووابسته مستقر در پاکستان وایران در آورند. همین رهبران درفردای سقوط رژیم خلقی-پرچمی در ۸ ثور۱۳۷۱ بقدرت رسانده شدند وبا شهید ساختن شهرکابل و ۷۰۰۰۰ باشنده اش، قیامت دیگری را بر سر مردم کابل برپاکردند. از همین رو میتوان گفت که سیاهروز۸ ثورمولود سیاهروز۷ ثور است .

"کمیتهٔ حقوق بشر فارو"